

The Study of the Representation of Conceptual Metaphors in “Siyavash” Story of Ferdowsi’s Shahnameh: A Cognitive Approach

Sayed Farid Khalifehloo* 

Assistant Professor, Department of English Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Setareh Mojahedi Rezaeian 

Ph.D. in Linguistics, Department of English Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Abstract

Metaphor is one of the devices and elements which has been used for conveying and objectifying the great human concepts in Ferdowsi’s Shahnameh as an excellent, mythical, and heroic work. Accordingly, the structural nature of the stories of Ferdowsi’s Shahnameh has been represented as a metaphorical narrative. There are various characters in Shahnameh and each of them illustrates a symbol of different characteristics of human beings. Among the effective characters in Shahnameh, “Siyavash” as a “wise” person faces events that can be a metaphor or symbol of human life concepts. The aim of the present study is to investigate the different types of conceptual metaphors, i.e. 1) Orientational metaphor; 2) Ontological metaphor, including (2-1) Substance metaphor; (2-2) Container metaphor; (2-3) Personification metaphor; and 3) Structural metaphor, following Lakoff and Johnson’s (1980) model in “Siyavash story” of Ferdowsi’s Shahnameh. The results showed that ontological metaphor, particularly substance type has been significantly applied more than other metaphors in “Siyavash story” ($p < 0.05$). On the contrary, the orientational metaphor has been used less than other ones.


Keywords: Cognitive Linguistics, Conceptual Metaphor, Orientational Metaphor, Ontological Metaphor, Structural Metaphor, Ferdowsi’s Shahnameh.

* Corresponding Author: khalifehloo@lihu.usb.ac.ir


How to Cite: Khalifehloo, S. F., Mojahedi Rezaeian, S. (2022). The Study of the Representation of Conceptual Metaphors in “Siyavash” Story of Ferdowsi’s Shahnameh: A Cognitive Approach. *Literary Text Research*, 26(92), 313-337. doi: 10.22054/LTR.2020.47252.2835

بازنمایی استعاره‌های مفهومی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی: براساس رویکرد شناختی

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان،
زاهدان، ایران

سید فرید خلیفه‌لو*  ID

دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و
بلوچستان، زاهدان، ایران

ستاره مجاهدی رضائیان  ID

چکیده

استعاره یکی از ابزارها و عناصری است که در شاهنامه فردوسی به‌عنوان اثری فاخر، اسطوره‌ای و حماسی برای انتقال و عینی‌سازی مفاهیم والای انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. بر همین اساس، ماهیت ساختاری داستان‌های شاهنامه فردوسی به صورت روایتی استعاری بازنمایی شده است. در شاهنامه، شخصیت‌های گوناگونی حضور دارند که هر کدام نمادی از خصایص مختلف نوع بشر را به تصویر می‌کشند. در میان شخصیت‌های تأثیرگذار در شاهنامه فردوسی، «سیاوش» به‌عنوان فردی «خردمند» با رویدادهایی مواجه می‌شود که می‌تواند استعاره و نمادی از مفاهیم زندگی انسان باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی بازنمایی انواع استعاره‌های مفهومی؛ یعنی ۱- استعاره جهت، ۲- استعاره‌های هستی‌شناختی شامل: الف- استعاره مادی، ب- استعاره ظرف، ج- استعاره تشخیص و د- استعاره ساختاری براساس الگوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی است. نتایج بررسی داده‌ها نشان داد استعاره هستی‌شناختی و -به‌طور خاص- نوع مادی در «داستان سیاوش» به‌طور معناداری ($p < 0/05$) بیشتر از دیگر استعاره‌ها مورد استفاده قرار گرفته است؛ درحالی‌که استعاره جهتی کمترین کاربرد را در این داستان به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های مفهومی، استعاره جهت، استعاره هستی‌شناختی، استعاره ساختاری، شاهنامه فردوسی.

مقدمه

یکی از علومی که به مباحث مربوط به ذهن می‌پردازد، علوم شناختی است که در دهه‌های اخیر جایگاه تأثیرگذار و ویژه‌ای را در حوزه‌های مختلف کسب کرده است. شناخت همه جنبه‌های خودآگاه و ناخودآگاه عملکرد ذهن و همچنین فرآیندهای ذهنی را دربر می‌گیرد که بر درک، تصمیم‌گیری و حل مسأله تأثیر دارند (ایوانز^۱، ۲۰۰۷).

مسائل مربوط به ذهن و زبان نیز همواره مورد توجه و پرسش بسیاری از فیلسوفان و زبان‌شناسان بوده است. در تحلیل زبان، رویکرد زبان‌شناسی شناختی بر این عقیده تأکید دارد که زبان ابزاری برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات است. در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد در آثار اندیشمندانی همچون لیکاف^۲ (۱۹۸۰، ۱۹۸۷)، لانگاکر^۳ (۱۹۸۷، ۱۹۹۱)، و تالمی^۴ (۲۰۰۰) زبان‌شناسی شناختی مطرح شد. براساس این رویکرد، تحلیل پایه‌های مفهومی و تجربی مقوله‌های زبانی به‌عنوان انعکاس‌هایی از سازمان‌دهی، اصول طبقه‌بندی، سازوکارهای پردازش و تأثیرهای تجربی و محیطی مورد مطالعه قرار می‌گیرند گیراتز و کیکنز^۵ (۲۰۰۷). به‌طورکلی، در زبان‌شناسی شناختی نیز همچون زبان‌شناسی صورت‌گرا و زبان‌شناسی نقش‌گرا ما با یک نظریه واحد مواجه نیستیم، بلکه با تنوعی از رویکردهایی که در بنیان وجوه اشتراک دارند روبه‌رو هستیم (دبیرمقدم، ۱۳۸۳).

در این میان، با مطرح شدن آرای فیلسوفان و زبان‌شناسان شناختی بیشترین پژوهش‌های انجام شده در رابطه با دستورشناختی و معناشناسی شناختی صورت گرفته است. اگر بپذیریم که هر نماد زبان به چیزی در جهان خارج دلالت دارد، چنین نگرشی صرفاً به معانی صریح واژه‌ها محدود می‌شود؛ درحالی که معناشناسی باید از مبانی برخوردار باشد که بتواند معانی صریح، ضمنی، مجازی، استعاری و حتی بافتی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد؛ یعنی معنا به آن گونه‌ای مطالعه شود که انسان در زندگی به کار می‌برد و درک می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷). در معناشناسی شناختی، معنا مبتنی بر ساخت‌های مفهومی قراردادی شده است. به این ترتیب، ساخت‌های معنایی همچون سایر حوزه‌های شناختی مقولات ذهنی‌ای را بازنمایی می‌کنند که انسان‌ها از طریق تجربیاتشان به آن‌ها شکل داده‌اند (صفوی، ۱۳۸۷).

-
1. Evans, V.
 2. Lakoff, G.
 3. Langacker, R.
 4. Talmy, L.
 5. Geeraerts, D. & Cuyckens, H.

۱. بیان مسأله

امروزه، دانشمندان و پژوهشگران حوزه‌های مرتبط با رویکرد شناختی، همچون زبان‌شناسان شناختی به بررسی استعاره^۱ در پژوهش‌های خود توجه ویژه‌ای دارند. کوچش^۲ (۲۰۱۰) دلیل این امر را اینگونه عنوان می‌کند که استعاره، نقش مهمی در تفکر، درک و استدلال انسان ایفا می‌کند. همچنین فراتر از این در شکل‌گیری و ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی ما تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، به اعتقاد او، ادراک استعاره به این معناست که برای درک و آگاهی نسبت به بخش ضروری و حیاتی اینکه چه کسی هستیم و در چه نوع دنیایی زندگی می‌کنیم، تلاشی به‌وقوع بپیوندد. علاوه بر این، استعاره، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرآیندهای اندیشیدن ماست؛ بنابراین، می‌تواند ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبان باشد؛ زیرا پدیده‌ای لاینفک از زبان روزمره است (ایوانز، ۲۰۰۷؛ صفوی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۶ و راسخ‌مهند، ۱۳۹۷).

در واقع، موجودیت استعاره تابعی از زمان، زبان و جامعه است و از آنجا که این پدیده‌ها جنبه ایستا و ماندگار ندارند، استعاره نیز در برهه‌های متفاوت زبانی در جوامع گوناگون و زبان‌های مختلف متفاوت است. استعاره می‌تواند به گسترش زبان تا مرز بی‌نهایت منجر شود و برای اهداف مختلفی همچون تزئین، ایجاز، ابراز عواطف، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و پرهیز از واژه‌های نامناسب مورد استفاده قرار گیرد (نرسیسیان^۳، ۱۳۸۷). بنابراین، استعاره نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹).

بر اساس شواهد و مستندات موجود، سنت مطالعه استعاره در میان غربیان به قرن چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد. ارسطو در کتاب فن شعر، استعاره را «انتقال یک نام برای اطلاق به چیزی «غیر»» و «شگردی برای هنرآفرینی» معرفی می‌کند. برای مثال، ارسطو نمونه «شب زندگی» را به‌عنوان استعاره‌ای از «دوران پیری» در قیاس با همانندی نسبت «شب» به «روز» و «پیری» به «جوانی» در نظر گرفته است (صفوی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۶). در قرن نخست میلادی، کوین تیلیان^۴ استعاره را تشبیهی کوتاه شده معرفی کرد و برای نخستین بار این نکته را مورد

1. metaphor
 2. Kovecses, Z.
 3. Nercissian, E.
 4. Quintilian, M. F.

توجه قرار داد که به‌طور اساسی آنچه انسان بر زبان می‌آورد، نوعی تصویرسازی است (صفوی، ۱۳۹۶). در همین راستا، ویکو^۱ بر این باور بود که تقریباً همهٔ واژه‌های زبان‌ها بر استعاره شکل گرفته‌اند و استعاره قسمت اعظم زبان‌های بشری را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر این، تسارو^۲ نیز استعاره را کاربردی طبیعی و بدیهی برای زبان در نظر می‌گرفت (صفوی، ۱۳۹۶). بنابراین، استعاره یکی از روش‌ها و احتمالاً مهم‌ترین روش «گسترش دادن» زبان است (هاوکس^۳، ۱۳۸۰).

لیکاف و جانسون^۴ (۱۹۸۰)، که به ترتیب زبان‌شناس و فیلسوف بودند، دیدگاه‌های خود را در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^۵ منتشر کردند. آن‌ها با اتخاذ رویکردی شناختی به مطالعهٔ استعاره «نظریهٔ معاصر استعاره» را برخلاف دیدگاه‌های سنتی مطرح کردند. دیدگاه سنتی استعاره بر اساس چهار اصل شکل گرفته بود: ۱- ماهیت استعاره در سطح واژه است، ۲- استعاره بر اساس شباهت شکل می‌گیرد، ۳- همهٔ مفاهیم حقیقی هستند، اما استعاره به وجه غیرحقیق زبان مرتبط است و ۴- استعاره تفکری خودآگاه است که ارتباطی با ذهن ندارد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). در مقابل، نظریهٔ استعارهٔ مفهومی بر مبنای این اصول پایه‌ریزی شد: ۱- استعاره در سطح مفاهیم در نظر گرفته می‌شود، ۲- استعاره بر مبنای ارتباط قلمروهای متقاطع^۶ در تجربه انسان از شباهت‌های موجود میان حوزه‌های مختلف شکل می‌گیرد، ۳- بخش اعظم نظام مفهومی ما شامل مفاهیمی مانند زمان، رویدادها، اخلاق و... استعاری است و ۴- نظام مفهومی استعاره‌ها اختیاری و قراردادی^۷ نیست، بلکه از تجربه‌های مشترک انسان با دیگر پدیده‌ها و در ارتباط با جسم خود انسان شکل می‌گیرد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). بدین ترتیب، بررسی استعاره به‌عنوان پدیده‌ای منحصرأزبانی در دیدگاه‌های سنتی به پدیده‌ای ذهنی و زبانی تغییر یافت.

-
1. Vico, G.
 2. Tesauro, K.
 3. Hawkes, T.
 4. Lakoff, G. & Johnson, M.
 5. Metaphors we live by
 6. cross-domain
 7. arbitrary

در این راستا، زبان‌شناسان شناختی استعاره را به‌عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی زبان بشر معرفی می‌کنند (ایوانز و گرین^۱، ۲۰۰۶ و لی^۲، ۲۰۰۱). استعاره پدیده‌ای است که در آن یک حوزه مفهومی^۳ به‌طور نظام‌مندی برحسب حوزه مفهومی دیگر ساخته می‌شود و مشخصه اصلی آن را می‌توان گسترش معنا^۴ یا فرافکنی مفهومی^۵ ذکر کرد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶ و لی، ۲۰۰۱). در واقع، این دیدگاه در زبان‌شناسی شناختی مطرح می‌شود که استعاره پدیده‌ای مفهومی است و صرفاً پدیده‌ای زبانی محسوب نمی‌شود (کرافت و کروس^۶، ۲۰۰۴). علاوه بر این، پیشگامان اصلی رویکرد استعاره مفهومی، لیکاف و جانسون (۱۹۸۰، ۱۹۹۹) بر این باورند که بسیاری از شیوه‌هایی که انسان براساس آن‌ها تفکر و عمل می‌کند به‌طور اساسی ماهیتی استعاری دارند. آن‌ها این نوع استعاره را که اساس و پایه آن در زبان روزمره و متعارف شکل می‌گیرد و به‌طور اساسی مبنای آن درک امور انتزاعی بر پایه امور عینی و مفهوم‌سازی مفاهیم ذهنی است، «استعاره مفهومی» نامیدند. برای مثال، مؤسسه‌هایی همچون دانشگاه‌ها و یا شرکت‌های تجاری را برحسب سلسله‌مراتب مفهوم‌سازی می‌کنیم. نمودارهای این مؤسسه‌ها فرد دارای بالاترین رتبه را در رأس و یا بالا قرار می‌دهند، در حالی که فرد دارای پایین‌ترین رتبه در پایین و انتهای سلسله مراتب قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، سلسله مراتب‌ها به‌طور غیرزبانی و برحسب استعاره مفهومی «کنترل/قدرت بالاست^۷» مفهوم‌سازی و بازنمایی می‌شوند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶).

افزون بر این، استعاره مفهومی از ویژگی یک‌سویگی برخوردار است؛ به این معنا که استعاره حاصل نگاشت از حوزه مبدأ به سمت حوزه مقصد است، نه برعکس. به‌عنوان مثال، در حالی که می‌توانیم عشق را براساس سفر سازمان‌دهی کنیم، نمی‌توانیم سفر را براساس عشق با استعاره بازنمایی کنیم. وجود مبدأ و مقصد در واقع تأییدی بر یک‌سویگی استعاره مفهومی است (راسخ‌مهند، ۱۳۹۷).

-
1. Green, M.
 2. Lee, D.
 3. conceptual domain
 4. meaning extension
 5. conceptual projection
 6. Croft, W. & Cruse, D.A.
 7. CONTROL/POWER IS UP

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» انواع استعاره را این‌گونه معرفی کرده‌اند: ۱- استعاره‌های جهت‌ی^۱، ۲- استعاره‌های هستی‌شناختی^۲، شامل: الف- استعاره‌های هستاری و مادی^۳، ب- ظرف^۴ و ج- تشخیص^۵ و ۳- استعاره‌های ساختاری^۶.

۱-۱. استعاره‌های جهت‌ی

استعاره‌هایی که بر مبنای جهت‌گیری‌های فضایی همچون بالا، پایین، عقب، جلو و... مفاهیم را سازمان‌دهی می‌کنند، استعاره‌های جهت‌ی گفته می‌شوند. از آنجایی که بدن انسان فضایی است و عملکرد جسم انسان با کارکرد محیط بیرون مرتبط است، استعاره‌های جهت‌ی مفاهیم مرتبط را براساس جهت‌گیری فضایی بازنمایی می‌کنند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). به عنوان مثال: «قیمت مرغ بالا رفت» (صفوی، ۱۳۹۶). در این مثال، استعاره جهت‌ی از عامل نگاشت خاصی به شکل «بیشتر بالا است» در نظر گرفته می‌شود.

۲-۱. استعاره‌های هستی‌شناختی

بیشتر تجربه انسان از محیط پیرامون خود براساس اشیاء، اجسام و مواد شکل می‌گیرد. استعاره‌های هستی‌شناختی شیوه‌ای از درک مفاهیم انتزاعی و نامحسوس مانند احساسات، فعالیت‌ها و حتی عقاید به صورت هستار هستند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). استعاره‌های هستی‌شناختی می‌توانند به یکی از انواع زیر بازنمایی شوند:

۱-۲-۱. استعاره‌های هستاری و مادی

استعاره‌هایی که براساس تجربه انسان از اشیاء مادی و فیزیکی نشأت می‌گیرند، استعاره‌های هستاری و مادی هستند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). به عنوان مثال: «از خجالت عرق کرده بود» (صفوی، ۱۳۹۶). در این مثال، «خجالت» هستاری فیزیکی گرما در نظر گرفته شده است.

-
1. orientational
 2. ontological
 3. entity and substance
 4. container
 5. personification
 6. structural

۱-۲-۲. استعاره‌های ظرف

استعاره‌های ظرف برای پدیده‌ها و مفاهیمی که فاقد حجم هستند، حجم، درون و بیرون در نظر می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). به عنوان مثال: «با این حرف‌ها توی دلم را خالی نکن» (صفوی، ۱۳۹۶). در این مثال، «دل» ظرفی در نظر گرفته شده است که حجم دارد و می‌توان درون آن را خالی کرد.

۱-۲-۳. استعاره‌های تشخیص

استعاره‌های تشخیص، شیء فیزیکی را به مثابه شخص در نظر می‌گیرند و بازنمایی می‌کنند. این استعاره این امکان را فراهم می‌کند تا گستره وسیعی از تجربه‌های مربوط به هستارهای غیرانسانی برحسب انگیزه‌ها، خصوصیت‌ها و فعالیت‌های انسان درک شوند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). به عنوان مثال، «زندگی مرا فریب داد» (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). در این مثال، زندگی به مثابه شخصی در نظر گرفته شده است که می‌تواند عمل فریب دادن را همچون انسان انجام دهد.

۱-۳-۱. استعاره‌های ساختاری

هنگامی که مفهومی به‌طور استعاری برحسب مفهومی دیگر ساختار بندی می‌شود با استعاره ساختاری مواجه هستیم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). به عنوان مثال: «وقت طلاست» (آقابراهیمی، ۱۳۹۷). در این مثال، ارزشمندی «وقت» در مفهوم «طلا» ساختار بندی شده است. همانگونه که می‌توان مشاهده کرد، استعاره در مکالمه‌های روزمره و نیز در ادبیات کاربرد گسترده‌ای دارند که می‌تواند صرفاً آرایشی باشد و از رهگذر آن، اندیشه‌ای تصویر شود و یا کارکردی سازمند یا ساختاری داشته باشد که در آن آمیزه‌ای از احساس و اندیشه با چنان ظرافت و نکته‌سنجی تصویر می‌شود که جز آن به هیچ شیوه‌ای توصیف نمی‌شود (رضایی، ۱۳۸۲). بدین ترتیب، به کارگیری و بازنمایی گسترده استعاره در جنبه‌های گوناگون زندگی بشر همچون زبان و تفکر نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند که بخشی از آن در آثار ادبی فاخر نمود می‌یابد.

در زبان فارسی، شاهنامه فردوسی اثری اسطوره‌ای، باستانی و حماسی است که از نظر فرهنگ و زبان شاهکاری ارزشمند محسوب می‌شود که از جنبه‌های مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار دارد. به اعتقاد رضوانیان و همکاران (۱۳۹۵) روایت شاهنامه فردوسی استعاری

است؛ به طوری که اسطوره‌ها و داستان‌های کهن ایرانی در قالب متن ادبی با به کارگیری استعاره‌ها و بیان ادبی پیکربندی شده‌اند تا چنین متن سترگی پدید آید. فردوسی با توصیف روانی ژرف شخصیت‌های مثبت و منفی و میانه، الگویی از بسیاری شخصیت‌های نوع بشر را در طول زمان به تصویر کشیده که با روان‌شناسی نوین مطابقت دارد (بازگیر، ۱۳۹۸).

در میان شخصیت‌های شاهنامه فردوسی، «سیاوش» به عنوان شخصیتی بازنمایی می‌شود که نمادی از خدای نباتی است که می‌میرد و همراه با تولد طبیعت دوباره متولد می‌شود (بهار، ۱۳۷۳). به‌همچنین «گذر سیاوش از آتش» یکی از کنش‌های انسانی شاهنامه محسوب می‌شود که بر پایه روایت فردوسی و اسطوره پیچیده «سیاوش» ماهیتی چند معنایی و استعاری دارد (رضوانیان و همکاران، ۱۳۹۵).

براساس آنچه عنوان شد با توجه به اهمیت به کارگیری و بازنمایی انواع استعاره‌های مفهومی به منظور انتقال مفاهیم مختلف مرتبط با زندگی بشر در شاهنامه فردوسی و همچنین ویژگی‌های خاص شخصیت «سیاوش» در این اثر حماسی و اسطوره‌ای، پژوهش حاضر درصدد است به بررسی بازنمایی انواع استعاره‌های مفهومی در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی بپردازد. بر این اساس، فرضیه صفر پژوهش حاضر به این صورت است که «تفاوت معناداری در فراوانی به کارگیری انواع استعاره‌های مفهومی شامل استعاره ساختی، استعاره جہتی، استعاره هستی‌شناختی در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی وجود ندارد».

۲. پیشینه پژوهش

در گستره وسیعی از پژوهش‌های انجام شده توسط محققین در زبان فارسی، استعاره براساس دیدگاه سنتی و معاصر در زبان ادبی و همچنین گفتار روزمره، مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به پژوهش‌هایی در اشعار شاعران بزرگ همچون «نگاهی نو به استعاره (تحلیل استعاره در شعر قیصر امین پور)» (راکعی، ۱۳۸۸)، «کاربرد استعاره مفهومی در قصاید ناصر خسرو» (بارانی و همکاران، ۱۳۹۵)، «بررسی استعاره‌های جہتی در غزلیات شمس» (پورالخاص و آلیانی، ۱۳۹۷)، «استعاره شناختی عشق در مثنوی مولانا» (اسپرهم و تصدیقی، ۱۳۹۷) و «بررسی مفهوم‌سازی‌های «چشم» در غزلیات حافظ از دیدگاه شناختی (صبوری و ذبیح‌نیا عمران، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

پژوهش‌هایی نیز براساس پیکره‌هایی از داده‌های زبان فارسی معاصر را می‌توان نام برد؛ از جمله «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی»

(شریفی و حامدی شیروان، ۱۳۸۹)، «نگاهی تازه به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی» (گندمکار، ۱۳۹۱)، «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان فارسی و اسپانیایی» (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲) و «کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم» (مولودی و همکاران، ۱۳۹۴) و «استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار» (افراشی و همکاران، ۱۳۹۴).

بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی استعاره در قرآن کریم اختصاص یافته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» (کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان، ۱۳۸۹)، «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی» (یگانه و افراشی، ۱۳۹۵)، «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» (حسینی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۶)، اسما و صفات الهی در قرآن کریم در پرتو استعاره مفهومی» (شعبانپور و همکاران، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

در این میان، تأثیر شاهنامه فردوسی بر ادبیات زبان فارسی، زبان فارسی معاصر و همچنین انتقال و بازنمایی مفاهیم و ویژگی‌های گرانسنگ و والای انسانی، همچون «خرد»، «شادی»، «عشق»، «زیبایی» و... در بسیاری از آثار و مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران داخلی و خارجی مطرح شده است (کرازی، ۱۳۸۲؛ نامورمطلق، ۱۳۸۹ و رضوانیان و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعات انجام شده در رابطه با اشعار شاعران غیر معاصر گویای این حقیقت است که «داستان سیاوش» به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین داستان‌های اسطوره‌ای- حماسی شاهنامه فردوسی از جنبه‌های گوناگون مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بوده است. در شاهنامه فردوسی «سیاوش» به عنوان شخصیتی بازنمایی می‌شود که نمادی از خدای نباتی است که می‌میرد و همراه با تولد طبیعت دوباره متولد می‌شود (بهار، ۱۳۷۳). با وجود این، براساس بررسی‌های پژوهشگران تاکنون پژوهش‌های معدودی ابزار پرکاربرد استعاره را به منظور بازنمایی مفاهیم مختلف در شاهنامه فردوسی و به طور خاص در «داستان سیاوش»، مورد مطالعه قرار داده‌اند. در ادامه، به مواردی از این نوع پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

ترابی مقدم و خلیفه‌لو (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی محدودیت‌های شناختی موجود در سه آرایه استعاره استخدام، حس آمیزی و پادامیزه براساس دیدگاه کوچش (۲۰۱۰) در دو زبان انگلیسی و فارسی پرداختند. به اعتقاد آن‌ها، نظام شناختی بشر نوعی توازن، تراضی یا مصالحه میان هدف‌های زیباشناختی و همچنین تبعیت از محدودیت‌های شناختی متضمن

انتقال معنی اعمال می‌کند. علاوه بر این، آن‌ها بر این باورند که استعاره به‌عنوان آرایه‌ای ادبی تحت سیطره محدودیت‌های شناختی قرار دارد. در آرایه استخدام، لفظ غیرمجازی مقدم بر لفظ مجازی است و در آرایه ادبی پادآمیزه نیز گویشوران بیشتر تمایل به استفاده از پادآمیزه نوع غیرمستقیم در مقایسه با پادآمیزه مستقیم دارند. این یافته گویای ماهیت دو بعدی ساختارهای خلاقانه و زیباشناختی است که وجود نوعی کشمکش را میان نوآوری و انتقال معنا نشان می‌دهد. در این خصوص، چیزی که انتقال معنا را ممکن می‌کند تبعیت از قوانینی بر مبنای شناخت است که نقش تحدیدی را ایفا می‌کند.

سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷الف) استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی را در شاهنامه فردوسی براساس دیدگاه شناختی لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها ۳۸۰۰ بیت از شاهنامه فردوسی را به روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد فردوسی بسیاری از مفاهیم انتزاعی را از طریق اشیاء مادی ملموس کرده است. این مفاهیم حوزه‌های مقصدی هستند که با حوزه مبدأ شیء مفهوم‌سازی شده‌اند. علاوه بر این، استعاره‌های هستی‌شناختی پربسامدترین نوع استعاره مفهومی در شاهنامه محسوب می‌شود. ادعای مطرح شده توسط آن‌ها بدون ارائه آمار توصیفی است.

در پژوهشی دیگر، سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷ب) استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق را در شاهنامه فردوسی براساس رویکرد شناختی بررسی کردند. آن‌ها با به‌کارگیری نظریه «معاصر استعاره» لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) به بررسی این پرسش‌ها پرداختند که فردوسی برای بیان مفاهیم اخلاقی در شاهنامه از چه استعاره‌هایی استفاده کرده است و از چه حوزه‌های مبدأیی برای توصیف مفاهیم انتزاعی اخلاق بهره برده است. به این منظور، ۳۸۰۰ بیت از شاهنامه فردوسی را به روش توصیفی-تحلیلی براساس استعاره‌های جهتی، هستی‌شناختی و ساختاری مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد فردوسی از حوزه‌های مبدأ انسان، شیء، روشنایی و تاریکی، جهت‌های بالا و پایین و... برای عینی کردن مفاهیم اخلاقی در شاهنامه استفاده کرده است. علاوه بر این، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد استعاره‌های هستی‌شناختی بسامد بیشتری داشتند. با وجود این، آن‌ها در پژوهش خود، آماری در این رابطه ارائه نکرده‌اند.

بهار و شکری (۱۳۹۷) با تکیه بر نظریهٔ گفت‌وگومداری باختین^۱ و ارتباط آن با استعاره‌سازی به بررسی ارتباط رجزهای شاهنامهٔ فردوسی با روایت‌سازی پرداختند و نشان دادند که این ویژگی چگونه در بازپردازی وجوه کنش، تعلیق و تعویق آن‌ها دخالت دارد و می‌تواند سبب بروز فضای گفت‌وگومدار و گسترش آن برای انتقال کنش‌ها شود. آن‌ها بر این باورند که گفت‌وگومداری سبب تولید و بسط استعاره در رجز می‌شود و به گسترش فضای گفتمانی و افزودگی لایه‌های زبانی کمک می‌کند. بر این اساس، فردوسی در متن رجزها با ایجاد چنین فضایی و کاربرد مناسب از استعاره در گسترش روایت‌سازی و ساخت فضایی گفت‌وگومحور بسیار مؤثر عمل کرده است و توانسته با استعاره‌سازی این فضا را گسترش دهد و ثابت کند که کاربرد استعاره‌ها فقط در سطح واژه نیست، بلکه در مفاهیم نیز رخ می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها، استعاره حاصل گفت‌وگومداری است؛ زیرا امکان انتقال در زمان را ایجاد می‌کند و سبب گسترهٔ کمی و کیفی می‌شود و از پس همین گستره‌هاست که استعاره شکل می‌گیرد.

۳. روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. به منظور بررسی استعاره‌های مفهومی، داده‌های این پژوهش براساس شاهنامهٔ فردوسی (براساس چاپ مسکو به کوشش حمیدیان، ۱۳۸۷) از آغاز «داستان سیاوش» تا انتهای «کشته شدن سیاوش به دست گروی» شامل در مجموع ۲۳۶۳ بیت انتخاب شد و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. به این ترتیب که ابتدا انواع استعاره‌های مفهومی مطرح شده توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، یعنی ۱- استعارهٔ جهت، ۲- استعاره‌های هستی‌شناختی شامل: الف- استعارهٔ مادی، ب- استعارهٔ ظرف، ج- استعارهٔ تشخیص و د- استعارهٔ ساختاری در «داستان سیاوش» شناسایی و مشخص شد. سپس داده‌های حاصل به وسیلهٔ نرم‌افزار SPSS^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس، ابتدا توصیف داده‌ها و فراوانی استعاره‌های مفهومی مشاهده شده در جدول فراوانی ارائه شد. در مرحلهٔ بعد با استفاده از آزمون کای دو^۳ فرضیهٔ صفر پژوهش مبنی بر وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۵ ($p < 0/05$) بررسی شد.

1. Bakhtin's dialogic theory

2. SPSS

3. chi-square

۴. یافته‌ها

به منظور توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده، ابتدا توصیفی از نمونه‌هایی از انواع استعاره‌های مفهومی شناسایی شده شامل: ۱- استعاره جهتی، ۲- استعاره‌های هستی‌شناختی شامل: الف- استعاره مادی، ب- استعاره ظرف، ج- استعاره تشخیص و د- استعاره ساختاری در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی براساس الگوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در ادامه ارائه می‌شود.

۴-۱. استعاره جهتی

استعاره‌های جهتی مفاهیم را با توجه به جهت‌های فضایی همچون بالا، پایین، عقب، جلو و... براساس ویژگی‌های جسمانی در محیط فیزیکی سازمان‌دهی می‌کنند.

نیایم سپهدار گرسیوز است بدان مرز، خرگاه او مرکز است
(فردوسی، ۱۳۸۷)

براساس بیت اخیر، «مرکز» استعاره از بلندپایه‌ترین و گرانمایه‌ترین سالار تورانی است؛ به این دلیل که بر مبنای تجربه جسمانی انسان، مرکز هر چیزی به طور معمول از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است.

تو فرزند مایی و زیبای گاه تو تاج کیانی و پشت سپاه
(همان)

براساس بیت اخیر، «پشت» استعاره از امید و پناهگاهی برای سپاه محسوب شده است. این استعاره جهتی با توجه به تجربه جسمانی و همچنین فرهنگی در زبان فارسی بسیار پرکاربرد و متداول است. فردوسی در «داستان سیاوش» شخصیت سیاوش را به عنوان «پشت سپاه» یعنی «امید سپاه» بازنمایی کرده است. در واقع، این استعاره جهتی بیانگر نوعی تجربه عاطفی یا همان مفهوم انتزاعی «امید» است که با به کارگیری مفهوم فضایی «پشت» سازمان‌دهی شده است.

۴-۲. استعاره‌های هستی‌شناختی

استعاره‌هایی که نتیجه تجربه‌هایی از ماهیت دنیای بیرونی انسان است که می‌تواند مادی، ظرف یا تشخیص باشد.

۴-۲-۱. استعارهٔ مادی

ز دور از دو فرسنگ هر کش بدید چنین جست و جوی بلا را کلید
(فردوسی، ۱۳۸۷)

در بیت اخیر، «کلید» استعاره‌ای مادی از راه‌حل و روش گشایش دشواری‌ها در انجام کاری است. در عالم مادی «کلید» ابزار و وسیله‌ای است که از آن برای گشودن در استفاده می‌شود. این استعاره در زبان فارسی بسیار رایج است و در گفتار روزمره به کار می‌رود. برای مثال، در بافت موقعیتی مناسب در گفتار جمله «کلید حل این مشکل در دستان من است» حتی در میان مردم عادی استفاده می‌شود. فردوسی نیز برای رهایی یافتن از بلا، جست و جوی کلید را مطرح می‌کند که براساس تجربهٔ فیزیکی در دنیای واقعی شکل گرفته است.

بدو گفت: «نیرنگ داری هنوز نگردد همی پشت شوخیت کوز
(همان)

در بیت اخیر، «کوز گشتن پشت» استعاره از ناتوانی و از کارافتادگی در نتیجهٔ پیری است که مبنای آن تجربه فیزیکی و حسی انسان در زندگی مادی و جسمی است.

۴-۲-۲. استعارهٔ ظرف

با به کارگیری استعارهٔ ظرف برای پدیده‌ها و اشیاء فاقد حجم به نوعی حجم یا درون و بیرون در نظر گرفته می‌شود.

غمی گشت و سودابه را خوار کرد دل خویشتن را پر آزار کرد
(فردوسی، ۱۳۸۷)

سه دیگر که یک دل پر از مهر داشت بیایست از او هر بد اندر گذاشت
(همان)

در دو بیت اخیر، «دل» در حقیقت مفهومی انتزاعی و فاقد حجم است که در کاربرد استعاری برای آن حجم در نظر گرفته شده است؛ به طوری که «دل» به مثابه ظرفی تصویرسازی شده است که می‌تواند پر از چیزی باشد.

۴-۲-۳. استعاره تشخیص

در استعاره تشخیص مفهومی انتزاعی و یا شیء فیزیکی و مادی به‌عنوان انسان در نظر گرفته می‌شود. این شخص‌انگاری یا تشخیص، امکانی را فراهم می‌کند تا پدیده‌های غیرانسانی در چهارچوب ویژگی‌ها و فعالیت‌های مربوط به انسان بازنمایی شوند.

برین کار بر نیست جای شتاب که تنگی دل آرد خرد را به خواب
(فردوسی، ۱۳۸۷)

در بیت اخیر، مفهوم انتزاعی «خرد» به‌عنوان انسانی در نظر گرفته شده است که می‌تواند «به خواب رود». در این بیت، شتاب و تنگدلی به‌عنوان عواملی هستند که می‌توانند باعث اختلال در عملکرد «مغز» محل و مبنای شکل‌گیری «خرد» شوند. به این ترتیب، یکی از ویژگی‌های مرتبط با فعالیت‌های انسان در مفهوم غیرانسانی «خرد» بازنمایی شده است.

چو چشم زمانه بدوزم به گنج سزد گر سپهرم نخواهد برنج
(همان)

در بیت اخیر، «زمانه» انسانی دارای چشم در نظر گرفته شده است که می‌تواند ببیند.

۴-۳. استعاره ساختاری

استعاره‌های ساختاری براساس سازمان‌دهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، در استعاره‌های ساختاری، ساختار تصویری شکل گرفته براساس حوزه مبدأ در ساختار مفهومی انتزاعی حوزه مقصد بازتاب پیدا می‌کند.

تو خواهی کشان خیره جفت آوری همی باد را در نهفت آوری
(فردوسی، ۱۳۸۷)

در بیت اخیر، «در نهفت آوردن باد» به معنای «در بند کشیدن و از پویه بازداشتن باد» و استعاره از «انجام کاری ناشدنی» است (کزازی، ۱۳۸۲). همانگونه که مشخص است «در بند کشیدن باد» کاری ناممکن و بسیار دشوار است، فردوسی نیز از این ساختار استفاده کرده است تا تصویری را برای بازنمایی مفهوم استعاری مورد نظر خلق کند.

سپهبد جز این کرد ما را امید که بر من شب آرد به روز سپید
(همان)

در بیت اخیر نیز «شب آرد به روز سپید» تغییر و دگرگونی بهروزی به تیره‌روزی و نگون‌بختی است.

در ادامه این بخش، میزان فراوانی به‌کارگیری استعاره‌های مفهومی در بیت‌های مورد بررسی از شاهنامه فردوسی ارائه می‌شود.

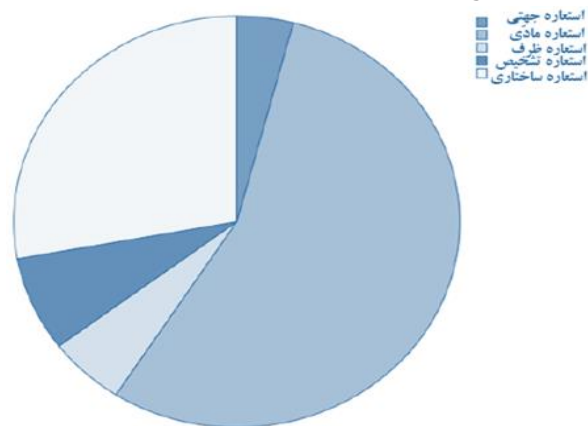
همانطور که جدول (۱) نشان می‌دهد از میان سه استعاره مفهومی، هستی‌شناختی با فراوانی ۴۰/۶ درصد بیشترین کاربرد را در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی دارد. این استعاره متشکل از سه استعاره مادی، ظرف و تشخیص است که در این بین، استعاره مادی با بیشترین فراوانی مشاهده شده ۳۲/۷ درصد را نشان می‌دهد. در رتبه‌های بعدی، استعاره ساختاری با ۱۶/۶ درصد، استعاره تشخیص با ۴/۴ درصد و استعاره ظرف ۳/۳ درصد قرار می‌گیرند. علاوه بر این، استعاره جهتی کمترین فراوانی کاربرد را با ۲/۴ درصد در «داستان سیاوش» به خود اختصاص می‌دهد.

جدول ۱. فراوانی انواع استعاره‌های مفهومی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	استعاره‌های مفهومی
۲/۴	۲/۴	۲/۴	۱۱	استعاره جهتی
۴۳	۴۰/۶	۴۰/۶	۱۸۴	استعاره هستی‌شناختی
۷۵/۷	۳۲/۷	۳۲/۷	۱۴۸	استعاره مادی
۷۹	۳/۳	۳/۳	۱۵	استعاره ظرف
۸۳/۴	۴/۴	۴/۴	۲۰	استعاره تشخیص
۱۰۰	۱۶/۶	۱۶/۶	۷۵	استعاره ساختاری
	۱۰۰	۱۰۰	۴۵۳	کل

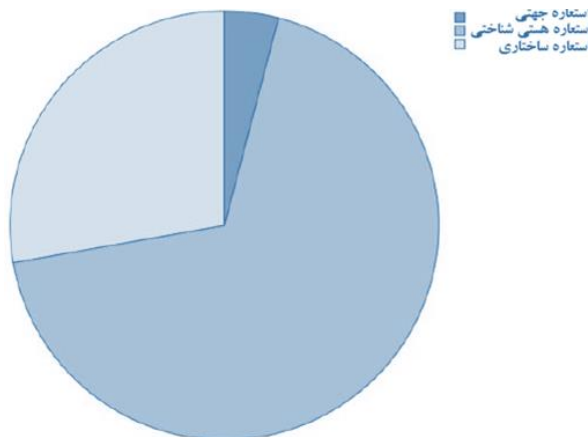
به منظور عینی‌سازی نتایج حاصل، نمودار (۱) درصد به کارگیری هر یک از استعاره‌های مفهومی را به تفکیک نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است استعاره مادی (بخش سبز رنگ) بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. پس از آن به ترتیب، استعاره ساختاری، تشخیص، ظرف و جهتی قرار می‌گیرند.

نمودار ۱. فراوانی انواع استعاره‌های مفهومی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی



افزون بر این، نمودار (۲) میزان فراوانی به کارگیری سه استعاره اصلی جهتی، هستی‌شناختی و ساختاری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است استعاره هستی‌شناختی به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشترین میزان به کارگیری را به خود اختصاص می‌دهد.

نمودار ۲. فراوانی سه استعاره مفهومی اصلی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی



در ادامه، به منظور بررسی فرضیه صفر پژوهش از آزمون کای دو استفاده شده است. براساس جدول (۲)، نتایج آزمون کای دو نشان می‌دهد تفاوت معناداری در به کارگیری استعاره‌های مفهومی در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی وجود دارد. به عبارت دیگر، در این داستان به کارگیری استعاره‌های مفهومی متفاوت است؛ به طوری که استعاره مفهومی مادی به طور معناداری بیشتر از دیگر استعاره‌های مفهومی به کار گرفته شده است.

جدول ۲. آزمون کای دو انواع استعاره‌های مفهومی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی

ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری تقریبی (دو-سویه)
آزمون کای دو	۲۵	۰/۰۰
نسبت درست‌نمایی	۲۵	۰/۰۰
رابطه خطی	۱	۰/۰۰
تعداد موارد معتبر		۴۵۳

با توجه به مقدار p حاصل (۰/۰۰)، فرضیه صفر پژوهش مبنی بر اینکه «تفاوت معناداری در فراوانی به کارگیری انواع استعاره‌های مفهومی شامل استعاره ساختی، استعاره جهتی، استعاره هستی‌شناختی در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی وجود ندارد» در سطح معناداری ۰/۰۵ ($p < ۰/۰۵$) رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، بازنمایی انواع استعاره‌های مفهومی شامل: ۱- استعاره جهتی، ۲- استعاره‌های هستی‌شناختی شامل: الف- استعاره مادی، ب- استعاره ظرف، ج- استعاره تشخیص و د- استعاره ساختاری براساس الگوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار گرفت. به کارگیری انواع استعاره‌های مفهومی به منظور انتقال مفاهیم و معانی مختلف شناختی یکی از ویژگی‌های شاهنامه فردوسی است. هر یک از استعاره‌های مفهومی با توجه به کاربرد و ویژگی خود با هدف خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتایج حاصل از بررسی داده‌های پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین به کارگیری انواع استعاره‌های مفهومی مطرح شده توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در «داستان سیاوش» وجود دارد. به این معنا که استعاره‌های هستی‌شناختی -و به طور خاص- استعاره هستاری و مادی،

به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از دیگر انواع استعاره‌های مفهومی مورد استفاده قرار گرفته است. استعاره‌های هستاری و مادی در واقع، استعاره‌هایی هستند که بر مبنای تجربه انسان از اشیاء مادی و فیزیکی و به‌طور کلی از محیط پیرامون شکل می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). مفاهیم هستاری و مادی به‌نوبه خود بیشترین میزان فراوانی را از نظر بازنمایی در زندگی و به تبع آن در شناخت و زبان انسان دارند. بنابراین، از آنجایی که شخصیت «سیاوش» به‌عنوان شخصیتی در شاهنامه فردوسی بازنمایی می‌شود که نمادی از خدای نباتی است که می‌میرد و همراه با تولد طبیعت دوباره متولد می‌شود (بهار، ۱۳۷۳)، می‌تواند دلیلی بر غالب بودن میزان فراوانی استعاره مادی مشاهده شده در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی باشد. این یافته همسو با یافته سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷ الف) و سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷ ب) است. نتایج پژوهش حاضر حاکی از وجود نوعی نظام‌مندی در به‌کارگیری استعاره‌های مفهومی مطرح شده توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در «داستان سیاوش» شاهنامه فردوسی است. به این معنا که نوعی توازن بین نظام شناختی بشر و هدف‌های زیباشناختی و وجود محدودیت‌های شناختی به منظور انتقال معنا مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، این یافته همسو با نتایج پژوهش ترابی مقدم و خلیفه‌لو (۱۳۹۶) است از این لحاظ که چیزی که انتقال معنا را ممکن می‌سازد، تبعیت از قوانینی بر مبنای شناخت است که نقش تحدیدی را ایفا می‌کند. به‌نظر می‌رسد فردوسی در شاهنامه از مناسب‌ترین نوع استعاره؛ یعنی استعاره مادی برای بازنمایی ویژگی‌های شخصیت «سیاوش» استفاده کرده است تا از این طریق تصویرسازی مناسبی را برای انتقال مفاهیم والای انسانی همچون خرد خلق کند. همانگونه که مشخص است این مفاهیم استعاری در زبان فارسی امروز نیز کاربرد گسترده‌ای دارد که نشان‌دهنده این حقیقت است که شاهنامه فردوسی بر زبان فارسی امروز تأثیرگذار بوده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Sayed Farid Khalifehloo



<https://orcid.org/0000-0002-5325-4237>

Setareh Mojahedi Rezaeian



<http://orcid.org/0000-0003-3182-9623>

منابع

- اسپرهم، داوود و تصدیقی، سمیه. (۱۳۹۷). استعاره شناختی عشق در مثنوی مولانا. *متن پژوهی ادبی*، ۲۲(۷۶)، ۸۷-۱۱۴. doi:10.22054/ltr.2018.8834
- افراشی، آرزیتا و تورج، حسامی. (۱۳۹۲). تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان فارسی و اسپانیایی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۳(۵)، ۱۴۱-۱۶۵.
- افراشی، آرزیتا، عاصی، سید مصطفی و جولایی، کامیار. (۱۳۹۴). استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار. *زبان‌شناخت*، ۶(۱۲)، ۳۹-۶۱.
- بارانی، محمد، خلیلی جهانتیغ، مریم و حکیمی‌فر، محمد. (۱۳۹۵). کاربرد استعاره مفهومی در قصاید ناصر خسرو. *پژوهشنامه ادب غنایی*، ۱۴(۲۷)، ۴۱-۶۲. doi: 10.22111/jllr.2017.3153
- بازگیر، نسرین. (۱۳۹۸). تراژدی سیاوش. *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ۳۲(۳)، ۸۰-۸۴.
- براتی، مرتضی. (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۸(۱۶)، ۵۱-۸۴. doi: 10.22075/jlrs.2018.11867.1054
- بهار، فاطمه و شکری، یدالله. (۱۳۹۷). استعاره و گفت‌وگومندی در رجزهای شاهنامه براساس نظریه باختین. *جستارهای زبانی*، ۱۰(۲)، ۲۷۱-۲۹۴.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۳). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: فکر روز.
- پورالخاص، شکرالله و آلیانی، رقیه. (۱۳۹۷). بررسی استعاره‌های جهتی در غزلیات شمس. *متن پژوهشی ادبی*، ۲۲(۷۵)، ۲۰۷-۲۲۸. doi: 10.22054/ltr.2018.8561
- ترابی‌مقدم، مجید و خلیفه‌لو، سید فرید. (۱۳۹۶). محدودیت‌های شناختی موجود در آرایه استعاره. *پژوهشنامه ادب غنایی*، ۱۵(۲۹)، ۳۱-۴۸. doi: 10.22111/jllr.2017.3961
- حسینی، سیده مطهره و قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۶). استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم. *ذهن*، ۱۸(۶۹)، ۲۷-۵۲.
- سراج، اشرف و محمودی بختیاری، بهروز. (۱۳۹۷الف). استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکردی شناختی. *پژوهشنامه اخلاق*، ۱۱(۴۰)، ۱۲۷-۱۴۲.
- _____ (۱۳۹۷ب). استعاره‌های هستی‌شناختی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی. *نقد ادبی و بلاغت*، ۷(۲)، ۷۵-۹۴. doi: 10.22059/jlcr.2018.68451
- شریفی، شهلا و حامدی شیروان، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی. *تفکر و کودک*، ۱(۲)، ۳۹-۶۳.

شعبانپور، محمد، کلباسی اشتری، حسین، سلیمان حشمت، رضا و مناقبی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). اسما و صفات الهی در قرآن کریم در پرتو استعاره مفهومی. پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۲۳، ۱۴۷-۱۶۸.

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۶). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. و ۳. تهران: سمت. راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۷). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت. راکعی، فاطمه. (۱۳۸۸). نگاهی نو به استعاره (تحلیل استعاره در شعر قیصر امین‌پور). پژوهش‌های ادبی، ۷(۲۶)، ۷۷-۹۹.

رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). *واژگان توصیفی ادبیات: انگلیسی-فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر. رضوانیان، قدسیه، غیائی، ندا و اعظم زاده، محمد. (۱۳۹۵). مطالعه تأثیر روایت استعاره فردوسی بر شاهنامه‌نگاری. *ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)*، ۱۳، ۱۲۹-۱۶۰. زارعی، فخری، موسوی، سیدکاظم و مددی، غلامحسین. (۱۳۹۴). شخصیت‌پردازی با رویکرد روانشناختی در داستان سیاوش. *کاوشنامه*، ۱۶(۳۰)، ۶۷-۱۰۲. doi: 10.17383/S1735-9589(15)94163-X

صبوری، نرجس‌بانو و ذبیح‌نیاعمران، آسیه. (۱۳۹۷). بررسی مفهوم‌سازی‌های «چشم» در غزلیات حافظ از دیدگاه شناختی. *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، ۷(۲)، ۱۱۵-۱۳۴. doi: 10.22059/JLCR.2018.68453

صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره مهر. _____ (۱۳۹۶). *استعاره*. تهران: نشر علمی.

علامی، ذوالفقار و اسداللهی، مائده. (۱۳۹۶). تحلیل روایی داستان سیاوش براساس الگوی کنشگران اجتماعی ون ولیون. *زبان و ادبیات فارسی*، ۲۵(۸۳)، ۱۸۷-۲۰۸.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *شاهنامه فردوسی*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره. کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حاجیان، خدیجه. (۱۳۸۹). استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی. *نقد ادبی*، ۳(۹)، ۱۱۵-۱۳۹.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۲). *نامه باستان، ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی (جلد سوم: داستان سیاوش)*. تهران: سمت.

گلفام، ارسلان و یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۱). *زبان‌شناسی شناختی و استعاره*. تازه‌های علوم شناختی، ۴(۳)، ۵۹-۶۴.

گندم‌کار، راحله. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی. *ادب پژوهی*، ۶(۱۹)، ۱۵۱-۱۶۷.

- لیکاف، جورج و جانسون، مارک. (۱۹۸۰). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقابراهیمی. چ ۱. تهران: علم.
- مولودی، امیرسعید، کریمی‌دوستان، غلامحسین و بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۹۴). *کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم*. پژوهش‌های زبانی، ۱(۶)، ۹۹-۱۱۸. doi: 10.22059/jolr.2015.56645
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۹). *اسطوره متن بیناشانه‌ای (حضور شاهنامه در هنر ایران)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- نرسیسیاس، امیلیا. (۱۳۸۷). *انسان، نشانه، فرهنگ*. تهران: نشر افکار.
- هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). *نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون*. ادب پژوهی، ۴(۱۲)، ۱۱۹-۱۴۰.
- هاوکس، ترنس. (۱۳۸۰). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- یگانه، فاطمه و افراشی، آزیتا. (۱۳۹۵). *استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی*. جستارهای زبانی، ۵(۳۳)، ۱۹۳-۲۱۶.

References

- Afrashi, A., Asi, S., Joulaei, K. (2016). Conceptual Metaphors in Persian: A Cognitive Perspective and a Corpus Driven Analysis. *Language Studies*, 6(12), 39-61. [In Persian]
- Afrashi, A., Hesaami, T. (2013). A new Classification for Analyzing Conceptual Metaphors: Examples from Persian and Spanish. *Comparative Linguistic Research*, 3(5), 141-165. [In Persian]
- Allami, Z., Asadullahi, M. (2018). A Narratological Study of the Story of Siavash According to Van Leeuwen's Model of Social Actors. *Persian Language and Literature*, 25(83), 187-208. [In Persian]
- Bahar, F., Shokri, Y. (2019). Metaphore and Dialogism in Shahnameh Braggadocio: A Bakhtinian Approach. *Language Related Research*, 10 (2), 271-294. [In Persian]
- Bahar, M. (1994). *Various Research in Iranian Culture*. Tehran: Fekre Ruz. [In Persian]
- Barani, M., Khalili Jahantigh, M., Hakimi Far, M. (2016). Application of the Conceptual Metaphor in Nasir Khosrow's Odes. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 14(27), 41-62. doi: 10.22111/jllr.2017.3153. [In Persian]

- Barati, M. (2018). Evaluation of Conceptual Metaphor Theory. *The Journal Of Linguistic and Rhetorical Studies*, 8(16), 51-84. doi: 10.22075/jlrs.2018.11867.1054. [In Persian]
- Bazgir, N. (2019). Siyavash's Tragedy. *The Development of Persian Language*, 32(2), 80-84. [In Persian]
- Croft, W., Cruse, D.A. (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2018). *Theoretical Linguistics: Emergence and Development of Generative Grammar*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Evans, V. (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh University Press.
- Evans, V., Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University Press.
- Ferdowsi, A. (2008). *Ferdowsi's Shahnameh*. Prepared ny Saidiyan. Tehran: Ghatreh. [In Persian]
- Gandomkar, R. (2012). A Perceptual Approach to Understanding Metaphor in Persian. *Journal of Adab Pazhuhi*, 6(19), 151-167. [In Persian]
- Geeraerts, D., Cuyckens, H. (2007). Introducing Cognitive Linguistics. In Geeraerts, Dirk, and Cuyckens, Hubert. (Eds.), *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics* (pp. 3-21). Oxford University Press.
- Golfam, A., Yousefirad, F. (2002). Cognitive Linguistics and Metaphors. *Advances in Cognitive Sciences*, 4 (3), 59-64. [In Persian]
- Hashemi, Z. (2010). Conceptual Metaphor Theory as Proposed by Lakoff and Johnson. *Journal of Adab Pazhuhi*, 4(12), 119-140. [In Persian]
- Hawkes, T. (2001). *Metaphor*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Nashr-e-Markaz. [In Persian]
- Hosseini, M., Ghaeminiya, A. (2017). Conceptual Metaphor of God Blessing in Quran. *Mind*, 18(69), 27-52. [In Persian]
- Kazzazi, M. J. (2003). *Ancient Book The Edition and Interpretation of Shahname of Ferdowsi (Volum 3: Siyavash Story)*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Kord Zaferanlou Kambouzia, A., Hajian, Kh. (2010). A Survey of the Orientational Metaphors in Qur'an: A Cognitive Approach. *Literary Criticism*, 3(9), 115- 139. [In Persian]
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.

- Lakoff, G., Johnson, M. (1980). *Metaphors we Live by*. University of Chicago Press.
- Lakoff, G., Johnson, M. (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and Its Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books.
- _____. (1980). *Metaphors we Live by*. Translated by Hajar Aghaebrahimi. Tehran: Elm. [In Persian]
- Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar, Volume I*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- _____. (1991). *Foundations of Cognitive Grammar, Volume II*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Lee, D. (2001). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Moloodi, A., Karimi Doostan, G., Bijankhan, M. (2015). The Application of Corpus-based Method of Metaphorical Pattern Analysis to Persian Language: the Study of Anger Target Domain. *Language Research*, 6(1), 99-118. doi: 10.22059/jolr.2015.56645. [In Persian]
- Namvar Motlagh, B. (2010). *Intersymbolic Text of Myth (The Presence of Shahnameh in Iran's Art)*. Tehran: Elmi-va-Farhangi. [In Persian]
- Nercissian, E. (2008). *Human, Symbol, Culture*. Tehran: Afkar. [In Persian]
- Poralkhales, S., Aliani, R. (2018). Semantic Study Of Orientated Metaphors In Shams Poems (According to Lakof and Johnson's theory). *Literary Text Research*, 22(75), 207-228. doi: 10.22054/ltr.2018.8561. [In Persian]
- Rakei, F. (2010). A New Look at Metaphor (Analysis of Metaphor in Gheysar Aminpor's Poetry). *Literary Research*, 7 (26), 77-100. [In Persian]
- Rasekh Mahnad, M. (2019). *An Introduction to Cognitive Linguistics Theories and Concepts*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Rezayi, A.A. (2003). *A Descriptive Dictionary of Literary Terms: English - Persian*. Tehran: Farhang-e-Moaser. [In Persian]
- Rezvaniyan, Gh., Ghiyasi, N., Azamzadeh, M. (2016). The Study of the Effect of Ferdowsi's Metaphorical Narrative on the Iconography of Shahnameh. *Comparative Literature (The Academy of Persian Language)*, 13, 129-160. [In Persian]
- Sabouri, N., Zabihnia Omran, A. (2018). The Study of "Eye" Conceptualizations in Hafiz's Sonnets from a Cognitive Point of View. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 7(2), 115-134. doi: 10.22059/jlcr.2018.68453. [In Persian]
- Safavi, K. (2008). *An Introduction to Semantics*. Teharn: Sure-ye-Mehr Publication. [In Persian]
- _____. (2017). *Metaphor*. Tehran: Elmi Publication. [In Persian]

- Seraj, A., Mahmoudi Bakhtiyari, B. (2018). Analysis of Ontological Metaphors in Ferdowsi's Shahnameh through an Approach of Cognitive Linguistics. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 7(2), 75-94. doi: 10.22059/jlcr.2018.68451. [In Persian]
- _____ . (2018a). Conceptual Metaphor of Moral Domain in Ferdowsi's Shahnameh: A Cognitive Approach. *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 11(40), 127-142. [In Persian]
- Shabanpur, M., Kalbasi Ashtari, H., Soleyman Heshmat, R., Manaqebi, H. (2019). Divine Names and Attributes in the Holy Quran based on Conceptual Metaphor. *Pazhouhesh Name-ye Quran va Hadith*, 12 (23), 147-168. [In Persian]
- Sharifi, S., Hamedi Shirvan, Z. (2012). Cognitive Linguistics Framework and Analysis of Metaphor in Children and Youngster's Literature. *Thinking and Children*, 1(2), 39-63. [In Persian]
- Sparham, D., Tasdighy, S. (2018). Conceptual Metaphors of Love in Mowlavi's Masnavi. *Literary Text Research*, 22(76), 87-114. doi: 10.22054/ltr.2018.8834. [In Persian]
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics* (2 vols). Cambridge, MA: MIT Press.
- Torabi Moghadam, M., Khalifehloo, S. (2017). The Cognitive Constraints in Metaphor. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 15(29), 31-48. doi: 10.22111/jllr.2017.3961. [In Persian]
- Yegane, F., Afrashi, A. (2016). Orientational Metaphors in Quran: A Cognitive Semantic Approach. *Language Related Research*, 7(5), 193-216. [In Persian]
- Zarei, F., Moosavi, S., Madadi, G. (2015). Characterization and Psychological Analysis of Characters in Siavash. *Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature*, 16(30), 67-106. doi: 10.17383/S1735-9589(15)94163-X. [In Persian]

استناد به این مقاله: خلیفه‌لو، سید فرید، مجاهدی رضائیان، ستاره. (۱۴۰۱). بازنمایی استعاره‌های مفهومی در داستان «سیاوش» شاهنامه فردوسی: براساس رویکرد شناختی. *فصلنامه متن‌پژوهی ادبی*، ۲۶ (۹۲)، ۳۳۷-۳۱۳. doi: 10.22054/LTR.2020.47252.2835



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.